

Radicalism and the Gilani Constitutional Movement: Examining the Role of Gilanis in Iran's Revolutionary Developments

Abbas Panahi¹

Abstract

The present article examines the role of the Gilani constitutional movement in shaping intellectual and political radicalism during Iran's constitutional era. The Constitutional Revolution ushered Iran into a new age; while European constitutionalism was based on secularism and humanism, Iranian constitutionalism sought to reconcile tradition and modernity. The Iranian Constitutional Revolution was a justice-seeking and anti-despotic movement aimed at establishing the rule of law and limiting the Shah's power. This movement influenced not only Iran but also its surrounding regions. The Gilani constitutional movement, particularly in the second phase of the Constitutional Revolution, played a crucial role in weakening Qajar despotism and reviving constitutionalism through a radical approach. By employing violent means and organizing revolutionary forces—especially during the conquest of Tehran—Gilanians significantly impacted the political and social developments of the time. On this basis, the following questions arise: What historical role did Gilanians play in the constitutional movement, and what were the defining characteristics of the Gilani Constitutionalism? This article investigates the role of Gilani figures, associations, and press in shaping the social radicalism of the constitutional era. Additionally, it explores the influence of Gilan's geography, economy, and international connections as key factors in this study.

1. Assistant Professor in Gilan Studies, University of Guilan., Rasht, Iran. apanahi@guilan.ac.ir

Received: March 8, 2025 - Accepted: May 4, 2025



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

Inspired by Caucasian and European social democratic thought—particularly during the Minor Despotism—Gilanis gravitated toward radicalism and ultimately played a pivotal role in forming the second parliament and consolidating Iran’s parliamentary system. Through historical documents and sources, using an analytical-historical method and relying on archival and library data, this article demonstrates that Gilani Constitutionalism was not merely a local movement but an influential force in Iran’s modern intellectual and political transformations.

Keywords: Gilan, Constitutionalism, Freedom, Social Democracy, Radicalism.

رادیکالیسم و مشروطه گیلانی: بررسی نقش گیلانیان در تحولات انقلابی ایران

عباس پناهی^۱

چکیده

مقاله حاضر به بررسی نقش مشروطه گیلانی در شکل‌گیری رادیکالیسم فکری و سیاسی در عصر مشروطه ایران می‌پردازد. انقلاب مشروطیت، جهان ایرانی را وارد دوران نوینی کرد، با اینکه مشروطه اروپایی برپایه سکولاریزم و اومانیسم قرار داشت، اما مشروطه ایرانی تلاش داشت تا بین سنت و مدرنیته آشتی برقرار کند. انقلاب مشروطه ایران جنبشی عدالت‌خواه و ضد استبداد بود که با هدف استقرار حکومت قانون و محدود کردن قدرت شاه شکل گرفت. این جنبش نه تنها بر ایران، بلکه بر مناطق پیرامونی ایران نیز تأثیر گذاشت. مشروطه گیلانی به‌ویژه در مرحله دوم انقلاب مشروطه، با رویکردی رادیکالی نقش مهمی در تضعیف استبداد قاجار و احیای دوباره مشروطیت ایفا کرد. گیلانیان با استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز و سازمان‌دهی نیروهای انقلابی، به‌ویژه در فتح تهران، تأثیر بسزایی در تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوره داشتند. با توجه به موضوع، این پرسش مطرح است که گیلانیان در جنبش مشروطه‌خواهی ایفاگر چه نقش تاریخی بودند و مشروطه گیلان دارای چه ویژگی‌هایی بوده است؟ مقاله حاضر به دنبال بررسی نقش شخصیت‌ها، انجمن‌ها، مطبوعات گیلانی و تأثیرگذاری آن‌ها بر رادیکالیسم اجتماعی عصر مشروطه است؛ همچنین، تأثیر جغرافیا، معیشت و ارتباطات بین‌المللی گیلان از شاخص‌های مورد بررسی

۱. دانشیار پژوهشکده گیلان‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. apanahi@guilan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴



پژوهش حاضر است. گیلانیان با الهام از اندیشه‌های سوسیال دموکراسی قفقازی و اروپایی، به‌ویژه در دوره استبداد صغیر، به رادیکالیسم گرایش یافتند و در نهایت، نقش کلیدی در تشکیل مجلس دوم و تثبیت نظام پارلمانی در ایران ایفا کردند. در مقاله حاضر با بررسی اسناد و منابع تاریخی و با استفاده از روش تاریخی و به شیوه تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی نشان داده شده است که مشروطه گیلانی نه تنها یک جنبش محلی، بلکه جریانی تأثیرگذار در تحولات فکری و سیاسی ایران معاصر بوده است.

واژه‌های کلیدی: گیلان، مشروطیت، آزادی، سوسیال دموکراسی، رادیکالیسم.

۱. مقدمه

مشروطیت ایران یکی از مهم‌ترین وقایعی بود که تا آن زمان در تاریخ ایران روی داد و عمیق‌ترین تحول را بر جنبه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آورد و حکومت استبدادی در تاریخ و فرهنگ ایران که به روایتی از اول خلقت تا آن دوران در ایران فرمانروایی می‌کرد، واژگون کرد (وفادار، ۱۳۸۳: ۱۰۷). مشروطه در پی آن بود که حکومت ملی را که پایه‌اش بر روی فلسفه مدرن، خردگرایی، آزادی و عدالت است، برقرار سازد و آزادی عقیده و تساوی حقوق افراد و حکومت مردم بر مردم را در ایران استوار کند و سرنوشت ملت را به خود مردم بسپارد؛ از دیدگاه مشروطه‌خواهان، سلطنت برآمده قدرت و اراده مردم بود.^۱

در انقلاب مشروطه سه نگرش برجسته در عرصه فکری و سیاسی ایران فعال بودند: جریان مذهبی، روشنفکران و حامیان نظام استبدادی. هر سه جریان از فردای پیروزی مشروطه در تلاش بودند تا منافع گروه خود را بر گرسی نشانده و سایر اندیشه‌ها و رقبا را حذف کنند. سلطنت‌طلب‌ها به دربار وابستگی داشتند، اما بخش مدرن‌تر مذهبی‌ها و روشنفکران به گروه‌ها و نهادهای جدید اجتماعی نظیر انجمن‌ها، احزاب، مطبوعات و

^۱ در اصل سی‌وپنجم قانون اساسی مشروطیت، سلطنت چنین تعریف شده است: «سلطنت ودیعه‌ای است که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده»؛ در نتیجه سلطنت شاه هنگامی رسمیت می‌یافت که او به قانون اساسی مشروطیت سوگند وفاداری یاد می‌کرد (یزدانی، ۱۴۰۰: ۸۴).

دیگر نهادهای مدرن که در نتیجه انقلاب مشروطه ایجاد شده بود، وابسته بودند. در رقابت بین این سه جریان، روشنفکران میدان سیاست را از آن خود کردند. روشنفکران و بازیگران برجسته مشروطه، اغلب ریشه گیلانی یا آذربایجانی داشتند. این موضوع نشان می‌دهد که اندیشه‌های مدرن در این مناطق بیش از سایر نقاط ایران ریشه داشته و این گروه با توجه به آگاهی‌های عمیق‌تری که از کارکرد مشروطیت و نهادهای سیاسی وابسته به دموکراسی پارلمانی و پارلماناریسم داشتند، بر فرایندهای مشروطیت تأثیرگذار شدند (مارتین، ۱۳۹۲: ۳۷). هژمونی گیلانیان به ویژه در دوره دوم مشروطیت با شکل‌گیری مجلس دوم و رویکرد انقلابی پارلمان دوم چهره خود را آشکار ساخت. گیلانیان در مرحله دوم انقلاب مشروطه، مبارزه خود با حکومت قاجار را با خشونت آغاز کردند؛ نخستین حرکت آن‌ها که منجر به سقوط رشت شد، کشتن آقابالاخان حاکم رشت در «باغ مدیریه» یکی از نخستین ترورهای عصر مشروطه پس از ترور ناکام محمدعلی‌شاه بوده است. آن‌ها در مسیر خود تا فتح تهران با هر جریانی که سد راه آنان می‌شد، با خشونت برخورد می‌کردند. گفته شده است حتی محمدولی‌خان از رهبران اردوی شمال با وجود تطمیع از سوی محمدعلی‌شاه، از ترس مجاهدان گیلانی حاضر به همکاری با روس‌ها نشد (عظیمی، ۱۳۹۶: ۴۲۷).

انجمن‌ها و مطبوعات آزاد از نهادهای برآمده از مشروطیت بودند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد انجمن‌های سیاسی و مطبوعات گیلانی نقش مؤثری در معرفی مشروطیت، دفاع از دستاوردهای آن، لزوم حفظ و حراست از آن و دفاع از آزادی‌های مشروع در جامعه گیلانی مطرح کردند؛ از این رو در مرحله دوم مشروطیت، مجاهدان گیلانی با استفاده از هم‌گرایی که انجمن‌ها در گیلان ایجاد کرده بودند، با اطمینان خاطر قدم در میدان مبارزه نهاده و در دفاع از آرمان‌های مشروطه نقش‌آفرینی کردند (یوسف‌دهی، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۷). انجمن‌های «ستار» و «ابوالفضل‌ی (عباسی)»^۱ رویکردهایی رادیکالی داشتند و با حرارت از حقوق مردم در برابر مستبدان و زورمندان جامعه سخن می‌گفتند. انجمن‌های یادشده حامی توده‌های تهی‌دست جامعه بودند (یزدانی، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

^۱. در برخی نوشته‌ها انجمن ابوالفضل‌ی و در برخی دیگر عباسی نام برده شده است.

مشروطه گیلانی از نظر سیاسی حرکتی مبتنی بر رادیکالیسم بود؛ هرچند رادیکالیسم عصر مشروطه با جریان‌های رادیکال عصر پهلوی که متأثر از کمونیسم بود، تفاوت‌های زیادی دارد؛ از نظر فکری، رادیکالیسم به مجموعه‌ای از عقاید و اقدامات سیاسی، اجتماعی یا مذهبی گفته می‌شود که خواهان تغییرات بنیادین، سریع و اغلب انقلابی در ساختارهای موجودند. رادیکال‌ها معمولاً به دنبال دگرگونی‌های اساسی در نظام‌های سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی‌اند و ممکن است از روش‌های غیرمتعارف برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند (لحمیان، ۱۳۸۶: ۴۷). آن‌ها از نظر سیاسی معمولاً به اصلاحات تدریجی رضایت نمی‌دهند و به دنبال تحولات عمیق و سریع‌اند. از نظر روش مبارزاتی از روش‌هایی مانند اعتراضات خیابانی، نافرمانی مدنی یا حتی خشونت برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. رادیکال‌ها بیشتر منتقد شدید نظام‌های حاکم و ساختارهای قدرت‌اند (آشوری، ۱۴۰۲: ۷۶). با وجود اینکه حرکت انقلابی مشروطه گیلان جریانی برآمده از مشروطیت بود، اما بسیاری از شاخص‌های بنیادین رادیکال را داراست. مجاهدان گیلانی در مرحله دوم جنبش، از زمانی که در بهمن ۱۲۸۷ خورشیدی بر حاکم گیلان شوریدند تا فتح تهران طی تابستان ۱۲۸۸ خ، روش مبارزاتی برپایه اندیشه‌های رادیکالیسم داشتند. قلمرو مکانی پژوهش بیشتر با تکیه بر تحولات شهر رشت انجام گرفته و از نظر زمانی نیز تحولات پس از استبداد صغیر تا فتح تهران قلمرو زمانی پژوهش را دربرمی‌گیرد؛ باین حال به دلیل اینکه حوادث رشت به گونه‌ای با سایر شهرهای گیلان نیز مرتبط است، به ناچار تمامی قلمرو گیلان در شمول تحقیق قرار می‌گیرد. از نظر زمانی دوره تاریخی تحولات سیاسی و اجتماعی گیلان از بهمن ماه ۱۲۸۷ تا فتح تهران در ۲۱ تیر ۱۲۸۸ خ را مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه پژوهش در زمینه مشروطه در گیلان

درباره مشروطیت در گیلان مطالعات متعددی انجام گرفته است؛ مانند «مأخذشناسی تحلیل انتفادی مشروطه گیلان» اثر عباس پناهی (۱۴۰۰). آدمیت در کتاب «فکر دموکراسی / اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران» بر این عقیده است که مشروطه گیلانی دارای ماهیت انقلابی و با برنامه بود (آدمیت، ۱۳۵۴: ۹۷-۱۰۴). ناصر عظیمی نیز در مقاله «اهمیت

رادیکالیسم و مشروطه گیلانی: بررسی نقش گیلانیان در تحولات انقلابی ایران | ۷

مشروطه گیلانی در نگاه فریدون آدمیت»، به تحلیل برخی از ویژگی‌های مشروطه گیلان پرداخته و آن را مشروطه گیلانی نام می‌نهد (عظیمی، ۱۴۰۲: ۵۶).

از مهم‌ترین پژوهش‌های جدید درباره مشروطه گیلان آثار دکتر سهراب یزدانی است؛ ایشان در کتاب‌های روستائیان و مشروطیت ایران (۱۴۰۲) و همچنین کتاب مجاهدان مشروطه (۱۳۸۹) نقش و کارکرد مشروطه گیلان را مورد بررسی قرار داده است، اما در کتاب دوم به طور جدی به نقش و کارکرد مجاهدان گیلانی در فراز و فرودهایی که منجر به فتح تهران شد اشاره کرده است و نقش گیلانیان را در این رخداد سیاسی قابل تأمل می‌داند. سهراب یزدانی در بیشتر آثار خود به موضوع رادیکالیسم مشروطه گیلانی می‌کند و این ویژگی مشروطه گیلان را متأثر از سوسیال دموکرات‌های قفقازی از یکسو و همچنین تداوم جنبش دهقانی در گیلان می‌داند؛ وی همچنین در کتاب *اجتماعیون عامیون* (۱۳۹۱) آگاهی‌های ارزشمندی درباره نقش و کارکرد این فرقه و تأثیرگذاری آن بر مشروطیت گیلان ارائه می‌دهد. فلاح توتکار نیز در مقاله «بازتاب مسئله دهقانی در مجلس اول (۱۳۲۴-۱۳۲۶ق)» (۱۳۸۵) به رویکرد انقلابی مشروطه گیلان که در نتیجه مشارکت دهقانان گیلانی بود، پرداخته است.

صدیقی پاشاکی نیز در کتاب *فراز و فرودهای گیلان در سه سال مشروطه* (۱۳۲۷-۱۳۳۳ق) (۱۳۹۲) با رویکردی توصیفی و تحلیلی به تحولات سیاسی که در گیلان عصر استبداد صغیر روی داده است پرداخته و تلاش دارد تا نقش انجمن‌ها، مطبوعات و شخصیت‌هایی که در اردوی مجاهدان گیلانی تأثیرگذار بوده‌اند، را بررسی کند؛ علاوه بر آثار یادشده، حسن کهنسال و طاهره میرزایی (۱۳۹۴) نیز در کتاب *نقش سردار محیی در تحولات گیلان عصر مشروطه و جنبش جنگل* به تحلیل نقش این شخصیت در عصر مشروطه پرداخته‌اند. سردار محیی از شخصیت‌های برجسته رادیکال در تحولات سیاسی گیلان پس از استبداد صغیر بوده است.

با وجود چنین آثار ارزشمندی درباره مشروطه گیلان، نگارنده تلاش دارد تا با استفاده از گزارش‌ها، اسناد و همچنین تحقیقات جدید به طور مشخص درباره رادیکالیسم انقلابی در مشروطه گیلانی و تأثیر آن بر تحولاتی دوره استبداد صغیر و تحولات فتح تهران را بررسی کند.

۳. تحلیل اندیشه‌های درگیر در انقلاب مشروطه

تحولات سیاسی و اجتماعی رشت از بهمن ۱۲۸۷ تا فتح تهران در ۲۱ تیر ۱۲۸۸خ دوران سرنوشت‌سازی است. طی این ماه‌ها گیلانیان نقش مؤثری در خیزش و برپایی دوباره مشروطیت ایران داشتند. در دوره اول مشروطه گفتمان مسلط بر آن هژمونی علما بود، اما در دوره دوم که گیلانیان و آذربایجانی‌ها بر فرایند انقلابی آن تأثیرگذار بودند، هژمونی مسلط بر فرایندهای مشروطه تحت تأثیر کنش‌های روشنفکران رادیکال بوده است. این گروه در دسته اجتماع‌یون-عامیون قرار گرفته و بی‌محابا به نقد سنت و تبلیغ مدرنیته می‌پرداختند. در دوره نخست مشروطه که تقریباً دوره مجلس اول مشروطه را شامل می‌شود، علما نقش مؤثرتری بر فرایندهای فکری و قانون‌گذاری مشروطیت داشتند. البته تفکر تطبیق شرع با حقوق غربی جنبشی بود که از روزنامه قانون و برخی متفکران عصر ناصری آغاز شده بود و طرفداران بسیاری حتی بین جریان سنتی جامعه داشت؛ در این دوره علما و حتی روشنفکران درصد بودند تا مفاهیم حقوق مدنی غربی و سکولاریسم را با مفاهیم شرعی اسلام و تشیع تطبیق دهند و به تعبیر آجودانی به دنبال «این همانی» بودند (آجودانی، ۱۳۸۵: ۲۳۷). از معروف‌ترین چهره‌های روحانی این نگرش نجم‌آبادی و بعدها طباطبایی و نائینی و هم‌فکرانش بودند (نائینی، بی‌تا: ۱۶۱)؛ حتی رساله «یک کلمه» مستشارالدوله و روزنامه «قانون» ملکم نیز مروج این تفکر بود، اما پس از استبداد صغیر محمدعلی شاه و آشکار شدن دوباره چهره استبداد، انقلابیون جدید نسبت به گذشته بسیار بی‌باک شده و واهمه‌ای از دیدگاه‌های ضد استبدادی و حتی ضد سنتی خود نداشتند؛ این گروه تحت تأثیر آموزه‌های اجتماع‌یون-عامیون، یعنی همان سوسیال دموکرات‌های قفقازی بودند. چهره‌های جوان گیلانی نظیر حسین کسمایی، میرزا رحیم شیشه‌بر، کریم‌خان رشتی و پیرم‌خان مهم‌ترین شخصیت‌های انقلابی این سرزمین بودند که از سردمداران جریان رادیکالی مشروطه گیلانی به شمار می‌روند؛ این گروه با آنکه آثار نظری درباره مشروطیت از خود به یادگار نگذاشته‌اند، اما با توجه به اینکه از زبان‌های خارجی و فلسفه نظری غرب آگاهی داشتند و از سوی دیگر متأثر از جریان‌های انقلابی اروپا و قفقاز بودند، تلاش داشتند تا این اندیشه‌ها را در ایران گسترش داده و حکومتی مبتنی بر قانون و دموکراسی ایجاد کنند؛ علاوه بر تمایل نخبگان گیلانی نسبت به جریان‌های سوسیال دموکراسی قفقازی، سازمان‌های انقلابی قفقازی نیز بی‌واسطه و مستقیم تلاش داشتند تا با ایجاد شعبه‌های انقلابی در

گیلان، جریان مشروطه‌خواهی گیلانیان را در مسیر رادیکالیسم سوق دهند. در این زمان سازمان همت تلاش داشت تا با تأسیس شعبه‌های اجتماعیون-عامیون در رشت و انزلی شعله‌های انقلاب را در گیلان شعله‌ور نگه دارد (آوانسیان، ۱۳۷۸: ۷)؛ بر اساس گزارش‌های موجود، ارزشیکدزه هم‌زمان با دوره استبداد صغیر در رشت و انزلی در سال ۱۲۸۸خ با تأسیس «کلوپ انترناسیونال» کوشید تا هر چه بیشتر جریان مشروطه‌خواهی گیلانیان را در مسیر جریان‌های انقلابی و رادیکالیسم قرار دهد (همان). با توجه به مراودات گسترده گیلانیان با قفقاز و آزادی عمل نسبی مخالفان روسیه تزاری در این منطقه، قفقاز به کانون انقلابی در برابر روسیه از یک‌سو و استبداد محمدعلی شاهی از سوی دیگر تبدیل شد.

۴. گیلانیان و مشروطه‌خواهی با تأکید بر نقش قفقازی‌ها

بخشی از عوامل تأثیرگذار بر انقلاب مشروطه دستاورد اندیشه‌های سوسیال دموکراسی متأثر از حضور جریان قفقازی در گیلان بود. نقش قفقازی‌ها در اردوی گیلان به اندازه‌ای برجسته بود که نشریات طرفدار نظام سلطنت در تهران در سرزنش آنان می‌نویسند که اردوی شمالی را آنارشیسست‌های قفقازی تشکیل داده است (پالویچ، ۱۳۵۷: ۶۳)؛ البته شواهد تاریخی نشان می‌دهند که در سال‌های نخست مشروطیت آنارشیسست‌ها فعالیت چشمگیری در تحولات مشروطه‌خواهی نداشتند و مخالفان مشروطیت برای بدنام کردن آنان در انظار عامه، مشروطه‌خواهان را گاه «بابی» و گاه آنارشیسست می‌نامیدند؛ علاوه بر سوسیال دموکراسی قفقازی، جناح دیگر مشروطه‌خواه ایرانی که تحت تأثیر لیبرال دموکراسی اروپا - به ویژه فرانسه و بریتانیا - بودند، برای پیشبرد اهداف انقلابی بر محور مشروطه‌خواهی تلاش می‌کردند؛ این گروه به مانند مجاهدان آذربایجانی و گیلانی رادیکال نبودند؛ با این حال، این دو گروه توانستند مذهب‌یون و سنتی‌هایی که بر اساس سنت تاریخی همیشه در کنار شاه قرار داشتند را با خود همراه کرده و از نیروی اجتماعی آنان جهت پیروزی انقلاب مشروطه سود جویند؛ در نتیجه، سلطنت و نظام استبدادی در برابر چنین نیروی عظیم اجتماعی قادر به مقابله نبود و در نهایت ناچار به تسلیم شد؛ کرونین نیز معتقد است انقلاب مشروطه در ابتدا تحت سیطره سنت‌گرایان بود، اما به مرور چرخش به نفع نوگرایان انجامید (مارتین، ۱۳۹۲: ۱۸۰ و ۱۸۱). وی درباره چرایی و علل این چرخش سیاسی توضیحی ارائه نمی‌دهد. به نظر می‌رسد مقاومت نهاد استبدادی از یک‌سو و فشار نیروهای انقلابی از سوی دیگر موجب شد تا در نهایت جریان رادیکالی بر

فضای مشروطه حاکم شده و سنت‌گرایان در موقعیت ضعف قرار گیرند؛ علاوه‌بر شکل‌گیری احزاب، گروه‌ها و جمعیت‌ها یزدانی به تأثیر اجتماع‌یون و عامیون قفقازی اشاره می‌کند که در باکو تأسیس شده بودند و به دنبال ایجاد تغییرات اساسی در ایران بودند، آن‌ها پس از شکل‌گیری مشروطیت تأثیر بسزایی بر فرایندهای انقلابی گیلان ایفا کردند. این سازمان‌ها با رویکردی رادیکالی نقش مهمی بر فرایندهای انقلابی گیلان داشتند (یزدانی، ۱۳۹۱: ۱۷).

یکی از دستاوردهای مشروطیت پس از تشکیل پارلمان تأسیس انجمن‌ها و روزنامه‌های آزاد بود؛ در رشت بیش از چهارصد انجمن تشکیل و چند روزنامه با رویکرد رادیکالی منتشر شد. روزنامه‌ها و انجمن‌ها کارکردی شگرف در تضعیف پایه‌های نظام استبدادی در گیلان داشتند و به جرأت می‌توان گفت آن‌ها صدای «رادیکالیسم انقلابی» گیلان بودند (یزدانی، ۱۳۸۹، ۱۸۰).

فعالیت انجمن‌های محلی و ولایتی گیلان و همچنین انتشار روزنامه‌هایی نظیر نسیم شمال و خیرالکلام نقش مؤثری در گرم نگه‌داشتن آتش انقلاب در بین مردم گیلان داشت. نسیم شمال در یکی از شماره‌های خود به شدت از امیر اکرم انتقاد کرده و عملاً سیاست‌های استبدادی وی را به سخره می‌گیرد (نسیم شمال، ۱۳۳۰، ش ۱۸)؛ روی هم‌رفته این دو روزنامه رویکردی رادیکالی نسبت به هیئت حاکمه از یک‌سو و استبداد محمدعلی شاه‌ی داشتند. افصح‌المتکلمین در روزنامه خیرالکلام همانند صوراسرافیل دیدگاه‌های تندی درباره فساد حاکمیت و لزوم برقراری حاکمیت قانون، آزادی و مشروطیت ابراز می‌داشت (فخرایی، ۱۳۷۱: ۲۶۶ و ۲۶۷)؛ البته افصح در روزنامه خود بیشتر حاکمان گیلانی را که نماینده استبدادی محمدعلی شاه در این سرزمین بودند، سرزنش می‌کرد.

۵. ویژگی‌های مشروطه گیلان

مشروطه گیلان به ویژه تحولات عصر استبداد صغیر در گیلان دارای ویژگی‌های متعددی بوده است؛ از میان این شاخص‌ها، رادیکالیسم را یکی از ویژگی‌های مهم مشروطه گیلان می‌دانند. از «جنبش مشروطه‌خواهی گیلان» می‌توان با عنوان «انقلاب گیلانیان» یاد کرد؛ زیرا در سال‌های نخست مشروطه‌خواهی، این حرکت جریانی رفرمالیستی و اصلاح‌گرایانه در ایران بود؛ در حالی

۱. رابینو مسلک و مشرب فکری افصح را دموکرات برمی‌شمرد و همچنین به گزارش‌های تند و گزنده

او علیه حاکمیت اشاره دارد (رابینو، ۱۳۸۰: ۱۳۵)

که در گیلان با تحولاتی پر آشوب همراه بوده است.

۱-۵. رادیکالیسم

جنبش مشروطه خواهی از نظر مکانی و جغرافیایی در نقاط مختلف ایران واجد خصوصیت مشترک و یکسانی نبود. در گیلان با ایده جدیدی از مشروطه خواهی مواجهیم، این جریان پس از استبداد صغیر در گیلان تبدیل به هژمونی اصلی مشروطه گیلانی شد، ویژگی یاد شده رادیکالیسم انقلابی جنبش مشروطه گیلان بود. جنبش مشروطه در گیلان با تأثیر پذیری از ایده های انقلابی گری قفقازی به تدریج از مفاهیم محافظه کاری فاصله گرفت و به رویکردهای انقلابی قفقاز تمایل پیدا کرد؛ به ویژه در مرحله دوم یعنی در دوره ای که استبداد صغیر در ایران حاکم شد، مبارزان مشروطه دسته جمعی از گیلان به باکو و تفلیس فرار کردند، آن ها طی اقامت در قفقاز با توجه به تجربیاتی که به دست آوردند، بیش از گذشته به لزوم اقدامات عملی جهت ایجاد حرکتی انقلابی در برابر حکومت باورمند شدند و پس از ورود به رشت شورش علیه حاکم گیلان را در رأس برنامه های خود قرار دادند.

بخشی از اندیشه های رادیکالیسم گیلانی تحت تأثیر جغرافیا و شیوه معیشت این سرزمین قرار داشت. مبارزات و جنبش های دهقانی از دوره صفویه تا دوره معاصر یکی از شاخص های اجتماعی و اقتصادی این پهنه بوده است. بعدها در اواخر عصر قاجار، تحت تأثیر مشروطیت، دهقانان به حقوق اجتماعی خود آگاه شدند. فراوانی عریضه های دهقانان به مجلس شورای ملی نشان دهنده رشد آگاهی های اجتماعی آنان از حقوق اجتماعی شان است؛ در نتیجه رعایا در برابر مالکان، خواهان حقوق اجتماعی و اقتصادی خود شدند. نزاع بین اربابان و مالکان و زمین داران به عنوان یکی از ویژگی های اجتماعی در گیلان همواره در طول تاریخ وجود داشته و بعدها در شکل اعتراضات مشروطه خواهی تداوم و گسترش یافت (پناهی، ۱۳۹۸: ۱۴). در بیشتر گزارش های تاریخی به برخورد شدید نیروهای استبدادی با نیروهای انقلابی در شهر رشت و سایر شهرهای گیلان اشاره شده است؛ برای نمونه، شریف کاشانی در کتاب «واقعات اتفاقیه در روزگار» ذیل حوادث پس از استبداد صغیر در شهر می نویسد: «رشت از نزاع مشروطیت و استبداد مغشوش [است]» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۱۷۲/۱). این یادداشت نشان دهنده

درگیری شدید آزادی خواهان رشتی با نیروهای طرفدار استبداد است. ظهیرالدوله طی اقامت خود در گیلان بارها به محمدعلی شاه هشدار داد که با مردم گیلان رفتار مناسبی داشته باشد؛ زیرا در صورت طغیان مردم این سرزمین قابل مهار نیستند؛ وی در خاطرات خود می نویسد: «تصدیق خواهند فرمود که اهالی گیلان از تمام ایران جری تر و موضع شان باریک تر است (ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۳۳۷-۳۳۵).

رادیکالیسم گیلانی علاوه بر اینکه حاصل بسترهای اقتصادی و اجتماعی موجود در فرهنگ این پهنه بوده است؛ از دیگر سو نمی توان نقش شخصیت هایی را که تحت تأثیر اندیشه های سوسیال دموکراسی قفقازی بودند، نادیده گرفت. از این شخصیت های مؤثر می توان به عبدالحسین خان سردار محیی، پیرم خان، میرزا حسین کسمایی، میرزا رحیم شیشه بر، افصح المتکلمین و چند شخصیت دیگر اشاره کرد.

یکی از شخصیت های مشهور مشروطه گیلان میرزا حسین کسمایی است. از او به عنوان مغز متفکر انقلاب گیلان یاد می شود؛ وی به زبان های روسی، فرانسوی، گرجی و ارمنی آشنایی داشته و مفهوم انقلاب را به خوبی درک کرده بود؛ همچنین به دنبال پیاده کردن اصول دموکراسی و مشروطیت در ایران بود. کسمایی پس از تشکیل کمیته ستار به همراه محمدعلی تربیت، سردار محیی و عده ای دیگر حمله به دارالحکومه گیلان را رهبری کرد؛ وی همچنین روزنامه نگاری برجسته بود. ردپای کسمایی در بسیاری از جریان های انقلابی و حذف مخالفان مشروطه در گیلان دیده می شود (dailami, 2012: 79-80).

سردار محیی از جمله شخصیت های مهم رادیکال مشروطه به ویژه در دوره استبداد صغیر و چهره مهم کمیته ستار در ماجرای قتل امیر افخم حاکم رشت بود؛ وی به دلیل نزدیکی با دانشکده ها، اجتماعات عامیون و سوسیال دموکرات های قفقازی دیدگاهی انقلابی در برابر حکومت محمدعلی شاهی داشت و از بنیان گذاران اصلی کمیته ستار بود. این گروه هیئت های تروری داشتند که هدف آن ها خارج کردن مخالفان مشروطیت از میدان بود (کهنسال و میرزائی راجعونی، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۴).

افصح المتکلمین، سیدجلال شهر آشوب و محمد ادریسی از رهبران تندرو مشروطه گیلان و عضو انجمن عباسی بودند. افصح به دلیل دیدگاه های ضد استبدادی توسط امیراعظم حاکم گیلان زندانی شد. افصح المتکلمین بعدها پس از آزادی از زندان شرح مفصلی درباره توهین ها

رادیکالیسم و مشروطه گیلانی: بررسی نقش گیلانیان در تحولات انقلابی ایران | ۱۳

و آزاری که از سوی حاکم دید، در روزنامه‌اش نگاشت و نیز اعلام کرد آن قدر علیه امیراعظم مطلب خواهد نوشت تا وی عزل شود (رمضانی، ۱۳۹۳، ۱/۱۳۰ و ۱۳۱).

نسیم شمال از چهره‌های برجسته و رادیکال مشروطه گیلان بود که با استفاده از زبان طنز و مطبوعات نقش مؤثری در تب‌وتاب‌های مشروطه گیلان ایفا کرد.

سیداشرف پس از آشنایی با رهبران مشروطه گیلان، نخستین شماره نسیم شمال را به صورت هفتگی در ۱۸ شهریور ۱۲۸۶ خورشیدی یعنی ۱۴ ماه پس از صدور فرمان مشروطیت منتشر کرد که انتشارش با وقفه‌ای یک‌ساله به خاطر توقیف در دوره استبداد صغیر مواجه شد. به دلیل رویکرد انقلابی و منتقدانه این روزنامه در دوره استبداد صغیر، محل انتشار روزنامه بارها توسط روس‌ها ویران شد؛ با این حال در آن شرایط خفقان و بحرانی سیداشرف توانست به انتشار روزنامه ادامه داده و تأثیر زیادی بر فرایندهای انقلابی گیلان عصر مشروطه داشته باشد. اشرف به دلیل فشارهای زیاد روس‌ها در رشت از سال ۱۲۹۴ خ روزنامه را در تهران منتشر کرد.

یکی از گروه‌ها و احزاب سیاسی که نقش مؤثری بر فضای رادیکالی مشروطه گیلان ایفا کرد، اجتماعيون عاميون بودند (یزدانی، ۱۳۹۱: ۲۸۰). این گروه را هم‌زمان با جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان تعدادی از ایرانیان قفقاز تشکیل دادند و هدف از تشکیل آن کمک به فرایند سیاسی انقلاب مشروطه و مقاومت در برابر استبداد بود. این سازمان علاوه بر تأسیس چند شعبه در قفقاز، در رشت و تبریز نیز فعال بود و پس از گذشت اندک زمانی تبدیل به فعال‌ترین گروه سیاسی عصر مشروطه شد. شواهد تاریخی نشان می‌دهند که بسیاری از کنشگران گیلانی عصر مشروطه به ویژه سردار محیی، میرزا حسین کمسایی و همفکران‌شان که در جریان شورش علیه حاکم رشت ایفاگر نقش مهمی بوده‌اند، با خط فکری اجتماعيون و عاميون در ارتباط بوده‌اند.

۲-۵. سوسیال دموکرات‌ها و مشروطه گیلانی

گیلان در اواخر عصر ناصری و اوایل مشروطیت، از نظر فکری جولانگاه سیاسی سوسیال دموکرات‌های قفقاز بود. این پهنه به دلیل اینکه در دوره قاجار ایالتی بود که در مسیر ترانزیت ایران به قفقاز، روسیه و اروپا قرار داشت، از نظر جغرافیایی به مسیری

استراتژیک در مسیر رفت و آمد اروپائیان و اتباع روس، به ویژه مخالفان روسیه تزاری که بیشتر رادیکال و سوسیال دموکرات بودند، تبدیل شد؛ از این رو برخی از گیلانیان منورالفکر از مبانی فلسفه نوین غرب که بر پایه مردم‌سالاری قرار داشت، آگاهی داشتند و با آنان در ارتباط بودند (نعیمی اکبر، ۱۳۹۳: ۳۷-۴۰).

با اینکه جریان مشروطه‌خواهی علاوه بر تهران در برخی از ایالات نظیر کرمان، آذربایجان، خراسان، اصفهان و سایر مناطق پیگیری می‌شد و هواداران سرسختی در این مناطق داشت، اما جریان مشروطه‌خواهی گیلانیان دارای تنوع آرا و دیدگاه‌ها بود. دعوای مشروطه‌خواهان^۱ و مستبدان با طرفداران مدرنیته و مشروطه در گیلان همانند تهران بسیار پررنگ بود؛ در نتیجه، دعوای فکری و سیاسی این دو دسته بر فضای مشروطه‌خواهی ایران نیز تأثیر گذاشت و موافقان و مخالفان مشروطه در تهران مجبور به طرفداری از طیف‌های فکری خود در گیلان شدند؛ هم‌زمان با درگیری‌های فکری مشروطه‌خواهان با مشروطه‌خواهان در تهران، درگیری‌های فکری و فیزیکی زیادی بین ملای خمامی^۲ با روشنفکران و سوسیال دموکرات‌های گیلانی وجود داشت؛ البته مشروطه‌خواهان گیلانی از قدرت و پایگاه چندانی در گیلان برخوردار نبودند و تنها حاکم گیلان از آن‌ها پشتیبانی می‌کرد و در موقعیت ضعف به سر می‌بردند. خمامی

^۱ مهدی ملک‌زاده در کتاب تاریخ انقلاب مشروطه در توضیح جریان مشروطه‌خواهی می‌نویسد بزرگترین عکس‌العملی که استبداد در مقابل مشروطیت از خود نشان داد و بالاترین خطری که حکومت ملی و آزادی را تهدید می‌کرد، قیامی بود که مستبدین تحت عنوان مشروطه‌خواهی برپا کردند (ملک‌زاده، ۱۳۷۰: ۳/۴۷۷).

^۲ شیخ فضل‌الله پس از نگارش متمم قانون اساسی از پایه با آن مخالف بود و آن را «ظلال نامه» نام نهاد. وی به مساوات در جامعه اسلامی باور نداشت و معتقد بود هدف مشروطه‌خواهان ایجاد دکانی در برابر شرع بود تا بر اساس آن احکامی شرعی را نسخ کنند (زرگری‌نژاد، ۱۴۰۳: ۴۸).

^۳ اسنادی نیز درباره ارتباط ملای خمامی با حکومت، نیروهای استبدادی و روسیه در دست است. در جریان اعتصاب کارکنان شیلات و ماهیگیران علیه لیانازوف و اعتصاب آنان، ملامحمد خمامی تلاش داشت تا اعتصاب آنان شکسته شود، اما تلاش‌های وی راه به جایی نبرد (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۰۷). خمامی تا اندازه‌ای از مشروطه و آزادی‌خواهان کینه به دل داشت که در جایی گفت حاضرم دارایی خود را در دفع و رفع آن‌ها خرج کنم (رایینو، ۱۳۶۸: ۷).

مدتی نیز اعلامیه‌ای در دفاع از مشروطیت صادر کرد تا از گزند مشروطه‌خواهان در امان ماند (صدیقی پاشاکی، ۱۳۹۲: ۸۷). مشروطه‌خواهان گیلانی اندکی پیش از حرکت اردوی مجاهدان به تهران، ملای خمایی را از سر راه برداشتند^۱ و در مسیر خود در قزوین نیز همین رویارویی را با بحرالعلوم، آخوند طرفدار استبداد و مشروطه‌خواه اعمال داشتند. این گروه که رویکردی رادیکالی داشتند، نقش مؤثری در شکست محمدعلی‌شاه و سرانجام با همکاری رادیکال‌های تبریزی شیخ فضل‌الله را با فتوای شیخ ابراهیم زنجانی بر دار کردند.^۲ آن‌ها بر این باور بودند که با به‌دارآویختن شیخ فضل‌الله، بساط اندیشه مخالفت با مدرنیته و مشروطه‌خواهی در ایران برچیده خواهد شد؛ در حالی که، اندیشه مشروطه‌خواهی شیخ فضل‌الله، سنتی سیاسی-فکری در تشیع بود که دارای پیشینه تاریخی بود و تا عصر قاجار ادامه و در دوره بعدی نیز تداوم یافت؛ در نتیجه این اندیشه در آن دوره زمانی با کشتن شیخ نیز به پایان نرسید.^۳

۳-۵. رویکرد بین‌المللی مشروطه گیلان

از شاخص‌های دیگر مشروطه گیلان رویکرد بین‌المللی آن است؛ این رویکرد در حرکت مشروطه‌خواهی تهران، کرمان، تبریز و اصفهان دیده نمی‌شود. البته تبریز به جهت ارتباط با عثمانی، قفقاز و همچنین فعالیت میسیون‌های مذهبی و فرهنگی امریکایی و اروپایی از نظر فکری و فرهنگی شبیه گیلان بود؛ با این حال از تنوع بیگانگان انقلابی که در اردوی گیلان حضور داشتند، برخوردار نبود. در گیلان طیف‌های مختلفی

^۱ درباره دلایل مرگ ملای خمایی اختلاف نظرهای بسیاری در منابع دیده می‌شود. عده‌ای نظیر کسروی، ناظم‌الاسلام، ملک‌زاده، نوه خمایی به نام احمد سمیعی و مدیران روزنامه‌های جبل‌المتین و ناله ملت بر این عقیده‌اند که ملا را مشروطه‌خواهان از میان برداشتند. برخی دیگر نیز معتقد به مرگ طبیعی خمایی‌اند (عظیمی، ۱۳۹۶: ۳۹۸ و ۳۹۹).

^۲ زانت آفاری درباره اعدام شیخ فضل‌الله که در ۹ مرداد ۱۲۸۸ خ به اجرا درآمد، می‌نویسد: «عجیب‌تر آنکه اعدام شیخ با تأیید همه مردم به اجرا درآمد و علمای مشروطه‌خواه عتبات نیز بر محکومیت وی صحنه گذاشتند» (آفاری، ۱۳۷۹: ۳۳۵).

^۳ طباطبایی درباره دعوی مشروطه‌خواهان با مشروطه‌خواهان بر این عقیده است که این نزاع‌های فکری بیش از اینکه جنبه سیاسی داشته باشد، بحثی در مبانی فهم دین و دینداری است (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۵۰۹).

از انقلابیون کشورهای مختلف حضور داشتند. پانوف بلغاری^۱، آرژنیکیدزه گرجی، یقیکیان و پیرم ارمنی، حزب هنجچاک، حزب دانشناکسیون، بخش بزرگی از سوسیال دموکرات‌های قفقاز نظیر محمدامین رسول‌زاده، اقوام دیگر قفقاز و روس‌ها بسیار فعال بودند^۲؛ همچنین آرژنیکیدزه به‌عنوان یکی از نزدیکان استالین در انقلاب رشت حضور داشت؛ علاوه‌براین موضوع، گفته شده است که سوسیال دموکرات‌ها در شهر رشت پرچم سرخ برافراشتند و برای درگذشت یکی از سوسیال دموکرات‌های معروف اسپانیا مراسمی برگزار کردند. این موضوع نشان‌دهنده عمق آشنایی مردم رشت، به ویژه قشر روشنفکر با مفاهیم جدید دموکراسی و سوسیال دموکراسی نوین جهت ایجاد تغییرات اساسی بوده است. آفاری به نقل از اسپرینگ رایس می‌نویسد جنبش رشت تا حدودی گرایش انقلابی دارد؛ زیرا به گفته وی دهقانان خواهان رفع تعهدات خود بوده و درصدد شکستن انحصار اربابان و نفی رسومات پیشین هستند (آفاری، همان: ۲۰۹).

به روایت اسناد آرشیوی، مردم گیلان از نظر فکر دموکراسی بسیار پیش‌روتر از سایر نقاط بوده‌اند، در شهریور ماه ۱۲۸۵ خ اندکی پس از صدور فرمان مشروطیت، مردم دست‌خط‌هایی برای مجلس ارسال می‌کنند و در این نامه‌ها به آزادی و لزوم برقراری مبانی مشروطیت تأکید دارند. این موضوع در روزنامه‌های عصر مشروطه گیلان به چشم می‌خورد (پناهی، الف ۱۳۹۸: ۲۱). فراوانی واژگان آزادی، قانون، پارلمان و دیگر مفاهیم دموکراسی‌خواهانه در مطبوعات گیلان عصر مشروطه نشان‌دهنده اعتقاد راسخ گیلانیان به تداوم و حفظ مشروطیت است.

۵-۴. انجمن‌ها و مشروطه گیلانی

یکی دیگر از ویژگی‌ها و شاخص‌های مهم مشروطه گیلان نقش و کارکرد انجمن‌های ملی، ایالتی و محلی این سرزمین بود. در گیلان تنوع انجمن‌های ملی و محلی بسیار زیاد بود. این انجمن‌های ملی و محلی نقش مؤثری در پیشبرد انقلاب گیلان داشتند. انجمن‌ها علاوه‌بر

^۱. پانوف بلغار و پیرم در زمره شخصیت‌های آناارشیستی فعال در مشروطه گیلان بودند (Berberian, 1996: 7-33).

^۲. از بین ده فرمانده اردوی مجاهدان گیلانی که قزوین را فتح کردند، دو فرمانده به نام‌های ملیکوف گرجی و پیرم‌خان حضور داشتند و هر کدام فرماندهی بیش از صدها جنگجوی مسیحی و قفقازی را عهده‌دار بودند (عظیمی، ۱۳۹۶: ۴۱۱ و ۴۱۲) که تمایلات انقلابی شدید از خود نشان می‌دادند.

فعالیت‌های سیاسی در شهرهای مهم گیلان، نقش مهمی در رفع اختلاف اربابان و رعایا ایفا می‌کردند؛ یکی از مهم‌ترین انجمن‌های این دوره کمیته ستار بود که به‌عنوان حلقه انقلابی، نقش مهمی در خیزش مشروطه‌خواهان گیلانی و اعاده مشروطیت در ایران ایفا کرد. ادوارد براون نقش انجمن‌ها را در ساختار سیاسی و فکری مشروطه برجسته می‌داند و معتقد است آن‌ها سهمی حقیقی و مؤثر در خیزش مردم به ویژه در دوره دوم مشروطیت برعهده داشتند. وی معتقد است کارکرد مشروطه تنها منحصر به فعالیت‌های سیاسی نشده، بلکه بیشتر این انجمن‌ها نقشی مؤثر در اقدامات عام‌المنفعه، آموزش و سایر وظایف شهروندی بر عهده داشتند (براون، ۱۳۸۰: ۲۳۲ و ۲۳۳).

یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی پس از پیروزی انقلاب مشروطه در رشت، تأسیس «کمیته ستار» در رشت بود (یوسفدهی، ۱۳۸۷: ۱۷). عده‌ای از مشروطه‌خواهان گیلانی پس از مذاکره با اعضای حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه و فرقه اجتماعيون عاميون قفقاز و وعده مساعد برای همکاری با آنان این کمیته را تأسیس کردند. علت نام‌گذاری به نام ستار، مفخمی ماندن نام اعضا بوده است. فخرايي نیز احترام به شخصیت ستار را دلیل این نام‌گذاری می‌داند (فخرايي، ۱۳۷۱: ۱۱۳). کمیته ستار در حقیقت متشکل از چهره‌ها و جریان‌های رادیکال قفقازی بود که در گیلان با هدف براندازی نظام استبدادی تشکیل شده بود، این جریان نقش مهمی در حرکت گیلانیان برای اعاده مشروطیت داشتند. روش و رویکرد آنان انقلابی و استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز برای دستیابی به هدف بود. نمونه یکی از نخستین اقدامات آنان به قتل رساندن امیر افخم حاکم گیلان در رشت بود. این جریان سیاسی پس از کودتای محمدعلی شاه به منظور ایجاد جبهه سیاسی و فکری جدیدی در ایران و گیلان ایجاد شد.

۵-۵. مطبوعات رادیکال و تأثیر آن بر مشروطه گیلانی

یکی دیگر از ویژگی‌های مشروطه گیلان، تأکید گیلانیان بر لزوم اجرای دستاوردهای مشروطیت نظیر برپایی حکومت قانون، آزادی، مساوات، برابری، حق رأی، آزادی زنان و آزادی عقیده بود. این نکته در نشریات گیلانی عصر مشروطیت به وفور دیده می‌شود. شکل‌گیری معارف جدید، فعالیت زنان گیلانی و سایر کنش‌های اجتماعی مردم گیلان نشان‌دهنده رویکرد متفاوت مردم گیلان به حاکمیت قانون در این زمان بود.

بسامد و فراوانی واژگان آزادی، قانون و مشروطیت جزو پرتکرارترین واژه‌هایی بود که در روزنامه‌های عصر مشروطه گیلان وجود دارد. تکرار زیاد این واژگان در مقالات، گزارش‌ها، عریضه‌ها و سایر خواسته‌های مردم گیلان بازتاب یافته در مطبوعات این دوره، نشان‌دهنده ریشه‌دوانیدن مفاهیم مشروطه، جامعه مدنی و مشارکت مردمی در بین منورالفکران گیلانی این دوره است؛ هرچند واژگانی همچون «آزادی» و «برابری» از مفاهیم پرتکرار در انقلاب مشروطه بودند و در متمم قانون اساسی همه شهروندان برابر بودند، اما از همان آغاز رونمایی از متمم قانون اساسی، این مفاهیم مخالفانی نیز نظیر شیخ فضل‌الله و همفکرانش داشت؛ از منظر او، آن آزادی که در قانون تضمین شده بود برخلاف مذهب اسلام است. وی از اساس با برابری همه شهروندان مخالف بود (حائری، ۱۳۶۴: ۳۰۰) این موضوع و سایر مفاهیم مشروطیت موجب شد که مشروعه‌خواهان به مخالفان جدی مشروطه تبدیل شوند^۱.

دو روزنامه «خیرالکلام» و «نسیم شمال» رویکردی رادیکالی نسبت به هیئت حاکمه و استبداد محمدعلی شاهی داشتند. افصح المتکلمین در روزنامه خیرالکلام همانند روزنامه صوراسرافیل دیدگاه‌های تندی درباره فساد حاکمیت و لزوم برقراری حاکمیت قانون، آزادی و مشروطیت ابراز می‌داشت و با رویکرد رادیکالی مقابل حاکمان گیلان تلاش کرد تا مردم را در مبارزه با حکومت جهت احقاق حقوق‌شان حمایت کند.

خیرالکلام در انتشار اخبار وقایع گیلان در بسیاری موارد با چاپ و انتشار نوشته‌های شکوه‌آمیزی از استبداد مأموران دولتی و مناسبات ظالمانه زمین‌داران و روستائیان گیلان با عنوان «مکتوب شهری یا مکتوب از لاهیجان و ...» که در حقیقت نوعی تظلم-نامه مردم گیلان به شمار می‌رفت و از سویی نیز نشان از رویکرد انتقادی و اجتماعی آن داشت (خیرالکلام، ۱۳۲۹، ش ۹۱: ۳ و ۴). به گفته افصح المتکلمین درج و انتشار

^۱ حائری به نقل از یک شاعر عینی بریتانیایی می‌نویسد ملایی به نام سید ابراهیم بر سکویی چوبی فریاد برمی‌آورد ای مردم! اگر شراب بنوشید و قماربازی کنید و قتل یا خیانت‌های دیگر مرتکب شوید، خداوند شما را خواهد بخشید، ولی خدا شما را از پیروی از مشروطه‌گری در امان دارد، تا آنجا که قدرت دارید از مشروطه‌گران بکشید. (حائری، ۱۳۶۴: ۳۰۰)

برای آگاهی بیشتر درباره آرا و عقاید شیخ فضل‌الله نک: به دو رساله وی تحت عنوان حرمت مشروطه و تذکره الغافل و ارشاد الجاهل. (زرگری نژاد، ۱۴۰۳)

| رادیکالیسم و مشروطه گیلانی: بررسی نقش گیلانیان در تحولات انقلابی ایران | ۱۹

چنین اخباری برای بالابردن آگاهی مشروطه خواهان و مردم عامه بود تا از انحصار و انقیاد مشروطیت ایران توسط جاه طلبان و انحصارگران جلوگیری شود (پورمحمدی املشی، ۱۳۹۱: ۸).

۵-۶. هدفمند بودن مشروطه گیلانی

داشتن هدف مشخص برای تداوم مشروطیت، آزادی و نظام سیاسی در ایران نیز یکی از ویژگی های مشروطه خواهان گیلان بوده است. این نکته علاوه بر انعکاس در مطبوعات این دوره گیلان، در عریضه های مشروطه خواهان به مجلس شورای ملی دیده می شود. آن ها از ابتدای حرکت انقلاب خود در بهمن ۱۲۸۷ خ از شهر رشت و به قتل رساندن سردار افخم حاکم گیلان، در پی براندازی استبداد و ایجاد نظام پارلمانی مبتنی بر آرای مردم بودند. این موضوع نکته ای قابل تأمل بود که عموماً در تمامی اسناد و نوشته های مربوط به مشروطه خواهان گیلان مطرح شده است. گیلانیان به دنبال این بودند که با حذف نظام استبدادی، نظام پارلمانی را در ایران مستقر کنند. از منظر آنان نظام پارلمانی در ایران بدون تضعیف نظام استبدادی ایجاد نخواهد شد.

۵-۷. تأثیر دهقانان، اصناف و ماهیگیران بر رشد رادیکالیسم انقلابی مشروطه گیلانی

یکی دیگر از ویژگی های مهم مشروطه گیلان شاخص صنفی و نقش اصناف در این جریان سیاسی و اجتماعی است. تنوع اقتصادی در گیلان به جهت جغرافیای متنوع آن بسیار قابل اهمیت است. ماهیگیری و شیلات، ابریشم، نساجی، مسیر ترانزیتی گیلان به اروپا، تنوع محصولات کشاورزی نظیر برنج، چای، کنف، تنباکو و نظایر آن موجب شکل گیری اصناف متعدد در گیلان شده بود. تعدی خارجیان بر مردم، زارعان و خرده مالکان که به روسیه و دیگر کشورها وابسته بودند و صاحبان املاک بزرگ موجب نزدیکی این اصناف به یکدیگر و در نهایت مشاکت فعالانه آنان در انقلاب مشروطه شد. اسناد و گزارش های فراوانی از سال ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ خ در برابر حکومت و روسیه از سوی اصناف در دست است که در نهایت منجر به حرکت مشروطه خواهان گیلانی به تهران و واژگونی استبداد شده است (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۰۵-۲۰۸).

از نظر ترکیب اجتماعی گروه‌های شکل‌دهنده در مشروطه‌خواهان گیلانی می‌توان به منشأ اجتماعی، اقتصادی و صنفی گیلانیان پی برد؛ بیشتر شرکت‌کنندگان در انقلاب رشت شهرنشینان، بازاریان، اصناف خرد و برخی نیز دهقانان بودند؛ در حالی که جبهه دیگر فاتحان تهران، یعنی بختیاری‌ها، منشأ ایلی داشتند. بختیاری‌ها به دنبال حرکت رئیس ایل برای تصرف اصفهان و تهران حرکت کردند (سردار اسعد و سپهر، ۱۳۹۳: ۱۸۲). توده اصلی این مجاهدان گیلانی خرده مالکان، بازاریان، رعایا و گروه‌هایی بودند که از اصناف مختلف تشکیل می‌شدند. در این زمان رعایا به جهت تأثیرپذیری از آرمان‌های مشروطیت ترسی از مالکان نداشتند، چه بسا با آن‌ها درگیر شده و مالکان را مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند (رایینو، ۱۳۶۸: ۵ و ۶)؛ علاوه بر این افراد، دسته‌های ارمنی، قفقازی، روسی و دیگر گروه‌های خارجی مشارکتی فعال در حرکت انقلابی گیلانیان داشتند.

۵-۸. اقلیت‌های قومی - مذهبی و مشروطه گیلانی

یکی دیگر از ویژگی‌های مشروطه گیلان ایجاد یگانگی بین ادیان و فرقه‌های مذهبی پس از مشروطیت بود. پیش از مشروطه همواره نگاه بدبینانه میان مسلمانان و اقلیت‌های قومی و مذهبی ساکن گیلان همچون سایر مناطق ایران دیده می‌شد، اما ایجاد تفکر و جنبش دموکراسی و برابرخواهی آنان را متعهد به حمایت از یکدیگر کرد؛ به طوری که یهودی‌ها تورات به دست به انجمن رفته و اظهار حمایت از مشروطه خواهان کرده و آرامنه علاوه بر مشارکت در جنبش مشروطه‌خواهی در کلیساهای خود برای موفقیت جریان آزادی‌خواهی دعا می‌کردند؛ هرچند که مستبدان و طرفداران آن‌ها پیوسته در تلاش بودند تا بین گروه‌های فکری و دینی انشقاق ایجاد کنند (رایینو، همان: ۱۵ و ۱۶).

کسروی درباره مشارکت اقوام قفقازی و روسی در کمیته ستار و دیگر گروه‌های سیاسی که با هدف مبارزه با استبداد محمدعلی شاه در دوره پس از تعطیلی مجلس شکل گرفته بود، می‌نویسد که میرزا کریم‌خان برادر معز السلطان به قفقاز رفته با کارکنان کمیته آشنا شد و از آنجا دسته‌ای از داوطلبان را با ابزار فراوان همراه آورد. اینان نخست انجمن پنهانی به نام کمیته ستار پدید آوردند. از شاخص‌ترین چهره‌های این جریان می‌توان به معز السلطان، حاج حسین آقا اسکندانی، آقاگل اسکندانی، لیکوف گرجی، پیرم

ارمنی، میرزامحمدعلی خان مغازه، میرزاحسین خان کسمایی و میرزا علی محمدخان تربیت اشاره کرد (کسروی، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

پیرم ارمنی نیز درباره نقش ارمنی‌ها و قفقازی‌ها در کمیته ستار و مرام آن می‌نویسد: «ولی در عمل آن‌ها از برنامه و مرامنامه‌ای استفاده می‌کردند و آئین‌نامه داخلی دانشاکیسون را پذیرفته بودند و به موقع اجرا می‌گذاشتند» (پیرم‌خان، ۲۵۳۶: ۲۴)؛ او همچنین از تأسیس کمیته برق در انزلی خبر می‌دهد. این کمیته نیز متشکل از هفت نفر هستند که سه نفر از اعضای آن ارمنی و چهار نفر دیگر مسلمان بودند (همان، همانجا). تفاوت عمده و برجسته کمیته برق با کمیته ستار در این مساله قرار داشت که کمیته برق در عمل از مرامنامه سوسیالیست‌های انقلابی را پیش روی خود قرار داده بود و از روی آن عمل می‌کرد. در حالی که کمیته ستار خود را اجتماع‌یون عامیون سوسیال دموکرات می‌نامیدند و مَه‌ری هم به همین عنوان تهیه کرده بود. همچنین کمیته برق را شعبه خود می‌دانستند. این مساله موجب اختلافات و مشاجراتی بین دو کمیته شد. از یادداشت‌های پیرم نیز از وجود احزابی که خاستگاه آنان از قفقاز بود و نیز حضور ارمنیان در دو کمیته ستار و برق انزلی آگاه می‌شویم. البته درباره کمیته برق انزلی باید گفت این کمیته جدا از فرقه سوسیال دموکرات ایران بود که ارامنه هنجاک در بندر انزلی تشکیل داده بودند. در این گزارش‌ها نقش چشمگیر اقلیت‌های قومی ساکن در گیلان در فرایندهای سیاسی انقلاب مشروطه مشهود است که به جهت ضدیت با روس‌ها نقش مؤثری در گسترش فضای سیاسی رادیکال در این پهنه ایفا کردند. کسروی در هنگامه مشروطه‌خواهی گیلانیان از مشارکت گسترده و نقش مؤثر قفقازی‌ها در این ماجرا یاد می‌کند و به شخصیت‌های ارمنی، گرجی و حتی بلغاری نیز اشاره دارد؛ وی همچنین به ایرانیان بادکوبه از جمله محمدامین رسول‌زاده و برخی دیگر از سوسیال دموکرات‌های ایرانی ساکن باکو اشاره می‌کند. رسول‌زاده دارای دیدگاه‌های انقلابی آشکاری بود. در گزارش دیگری کسروی به نقل از چرچیل، تعداد داوطلبان قفقازی حاضر در مشروطه گیلان را بیش از ۳۵۰ نفر می‌نویسد (کسروی، ۱۳۸۳: ۱۹۲). این گزارش‌ها نشان می‌دهند که میزان مشارکت قفقازی‌ها در انقلاب مشروطه گیلان چشمگیر بوده است. این آمار جز تعداد انقلابیونی بوده است که مخفیانه وارد گیلان و رشت شده و به فعالیت انقلابی می‌پرداختند.

۶. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی نقش گیلان در جنبش مشروطه‌خواهی ایران و تأثیر آن بر رادیکالیسم فکری و سیاسی این دوره پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گیلان به‌مثابه یکی از کانون‌های مهم جنبش مشروطه، نقش بسزایی در شکل‌گیری و پیشبرد این جنبش ایفا کرده است. این نقش از دو جنبه جغرافیایی و فکری قابل تحلیل است. گیلان به‌دلیل نزدیکی به قفقاز و روسیه، به‌عنوان دروازه ورود اندیشه‌های انقلابی و مدرن به ایران عمل کرده است. این منطقه به‌دلیل موقعیت استراتژیک خود، محل تبادل افکار و ایده‌های سوسیال دموکراتیک و انقلابی بود که از قفقاز و اروپا وارد ایران می‌شد. این ارتباطات باعث شد که گیلانیان به ویژه در رشت، با مفاهیم جدیدی مانند دموکراسی، آزادی و برابری آشنا شوند و این مفاهیم را در جنبش مشروطه به کار گیرند. گیلان یکی از مراکز اصلی رادیکالیسم در جنبش مشروطه بود. این رادیکالیسم تحت تأثیر جنبش‌های دهقانی و اعتراضات اجتماعی در طول تاریخ گیلان شکل گرفته بود. در دوره مشروطه، گیلانیان با رویکردی انقلابی و رادیکال، به مبارزه با استبداد قاجار پرداختند و نقش مهمی در فتح تهران و برقراری مجدد مشروطیت ایفا کردند. رادیکالیسم مشروطه گیلانی نه تنها در مبارزات نظامی، بلکه در عرصه فکری و فرهنگی نیز تأثیرگذار بود؛ به طوری که مطبوعات و انجمن‌های گیلانی در جایگاه صدای رادیکالیسم انقلابی عمل می‌کردند. ویژگی‌های منحصربه‌فرد مشروطه گیلان شامل رویکرد بین‌المللی، نقش فعال اصناف و گروه‌های اجتماعی مختلف، تأکید بر مفاهیمی مانند آزادی، برابری و حکومت قانون بود. این ویژگی‌ها باعث شد که گیلان نه یک کانون محلی، بلکه به‌مثابه یک نیروی پیشرو در جنبش مشروطه ایران شناخته شود؛ درنهایت، می‌توان گفت که مشروطه گیلان نه تنها در براندازی استبداد قاجار نقش داشت، بلکه تأثیرات عمیقی بر تحولات فکری و سیاسی ایران معاصر گذاشت. این جنبش نشان داد که چگونه یک منطقه می‌تواند با ترکیبی از رادیکالیسم انقلابی و اندیشه‌های مدرن به تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی و اجتماعی یک کشور کمک کند.

گیلانیان در تاریخ مدرن ایران نقش مؤثری در پایه‌گذاری جنبش‌های سوسیال دموکراسی و رادیکالیسم انقلابی داشتند، آن‌ها توانستند با استفاده از شیوه‌های مختلف اجتماعی و هنری رویکردهای فکری خود را در گفتمان سیاسی ایران مدرن وارد کنند. این گفتمان -فارغ از تأثیرات مثبت و منفی- تأثیر زیادی بر اندیشه سیاسی تاریخ معاصر داشت، تا جایی که رادیکالیسم هژمونی غالب در گفتمان سیاسی معاصر ایران شد. هدف از طرح مسئله، موضوع تأثیر گیلانیان و اندیشه‌ورزان این پهنه در تحولات عصر مشروطه‌خواهی و حوادث پس از آن

بوده است. در مرحله نخست جنبش مشروطه‌خواهی که منجر به تأسیس پارلمان می‌شود، انقلابیون رویکردی اصلاحی نسبت به ساختار سیاسی داشتند؛ در حالی که با کودتای محمدعلی شاه و آغاز دوره استبداد صغیر، جنبش مشروطه‌خواهی در گیلان، که بیشتر انقلابیون آن سوسیال دموکرات بودند، به رادیکالیسم گرایش یافته و مرحله به مرحله از رشت تا تهران و حتی بعد از تشکیل مجلس دوم فضای سیاسی ایران را تحت تأثیر این اندیشه قرار گرفت. نکته قابل تأمل دیگر در مشروطه گیلانی تداوم شورش‌های دهقانی و نقش روستاییان در تضعیف ارکان نظام ارباب و رعیتی و تکیه آنان به حاکمیت قانون همچنین مشارکت در فتح تهران و کنار نهادن اربابان از ساختار سنتی اداری گیلان بود. با وجود اینکه مجلس اول تلاش داشت تا با حمایت انجمن‌ها، ساختار اداری و دولتی، جنبش دهقانی را به نفع اربابان قلع و قمع کند، اما روستاییان تحت تأثیر آشنایی با مبانی حقوق سیاسی جدید، نهادهای سنتی را پشت سر گذاشته و فعالانه در فتح تهران مشارکت داشتند؛ در حالی که هم‌زمان اردوی بختیاری‌ها در آن زمان متشکل از افراد ایلاتی بود که مجاهدان آن سرسپاری محض به رئیس ایل داشتند؛ در حالی که روستاییان گیلانی به جای وفاداری به ارباب، در جهت قانون و شعارهای سوسیال دموکرات‌ها در حفظ مبانی مشروطیت گام برمی‌داشتند. نکته مهم دیگر در مشروطیت گیلان در این مرحله نفوذ اندک مذهب‌بیون در جریان ماجراهای پس از قیام گیلانیان علیه حکومت بود. در این مرحله حضور روحانیون و مذهب‌بیون کم‌رنگ بود و به جای شعارهای مذهبی، مبانی نظام سیاسی جدید مانند آزادی، قانون، وطن و دیگر مفاهیم در اولویت شعارها و مبانی فکری مشروطه‌خواهان گیلانی قرار داشت. نکته مهم دیگر این بود که مشروطه گیلان جریانی قومی و ایلی نبود، بلکه اقوام گوناگون در بین مجاهدان گیلانی حضور فعال و چشمگیر داشتند و قفقازی‌ها، گرجی‌ها، ارمنی‌ها، روس‌ها، یهودی‌ها و سایر اقوام و حتی نحله‌های فکری بین مشروطه‌خواهان گیلانی فاتح تهران حضور داشتند.

فهرست منابع

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۵)، *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۴)، *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران: پیام.
- آشوری، داریوش (۱۴۰۲)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.

- آوانسیان، اردشیر (۱۳۷۸)، *خاطرات اردشیر آوانسیان از اعضای گروه ۵۳ نفر*، به کوشش علی دهباشی، تهران: انتشارات شهاب ثاقب با همکاری نشر سخن.
- براون، ادوارد (۱۳۸۰)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مه‌ری قزوینی، ویراستار سیروس سعدوندیان، تهران: انتشارات کویر.
- پالویچ، م. تریا و س. ایرانسکی (۱۳۵۷)، *سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه م. هوشیار، تهران: جیبی.
- پناهی، عباس (۱۳۹۸ الف)، *اسناد و عریضه‌های دوره‌های دوم تا پنجم مردم گیلان به مجلس شورای ملی*، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- (۱۳۹۸ ب)، *اسناد و عریضه‌های دوره‌های ششم تا سیزدهم (عصر رضاشاه) مردم گیلان به مجلس شورای ملی*، تهران: حوزه هنری با همکاری نشر فرهنگ ایلیا.
- (۱۴۰۰)، *مآخذشناسی تحلیل انتقادی مشروطه گیلان رشت*، انتشارات فرهنگ ایلیا.
- پورمحمدی املشی، نصراله (۱۳۹۱)، «دیدگاه سیاسی و اجتماعی روزنامه خیرالکلام اولین روزنامه گیلان»، *فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ اسلام و ایران*، دوره جدید زمستان، شماره ۱۶ (پیاپی ۱۰۵)، صص ۱-۲۲.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران: امیرکبیر.
- داویدیان، پیرم (۲۵۳۶)، *از انزلی تا تهران*، ترجمه نروس با مقدمه محمد حسین صدیق، تهران: انتشارات بابک.
- رابینو، ه. ل. (۱۳۶۸)، *مشروطه گیلان به کوشش محمد روشن*، رشت: طاعتی.
- (۱۳۸۰)، *روزنامه‌های ایران*، ترجمه جعفر خمami زاده، تهران: انتشارات اطلاعات.
- رضانی، پیمان (۱۳۹۳)، «افصح المتکلمین اولین روزنامه‌نگار گیلان»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی مشروطه گیلان*، رشت، فرهنگ ایلیا، ج ۱.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۴۰۳)، *رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)*، تهران: نگارستان اندیشه.
- سردار اسعد بختیاری، سپهر، علیقلی (۱۳۹۳)، *تاریخ بختیاری*، تهران: انتشارات اساطیر.
- شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲)، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران، جلد اول.
- صدیقی پاشاکی، رضا (۱۳۹۲)، *فراز و فرودهای گیلان در سه سال مشروطه (۱۳۲۷-۱۳۳۰-ق)*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- طباطبایی، جواد (۱۳۶۷)، *نظریه قانون در ایران*، تهران: نشر ستوده.
- ظهیرالدوله، علی بن محمدبن ناصر (۱۳۵۱)، *خاطرات و اسناد ظهیرالدوله*، به کوشش ایرج افشار، تهران: جیبی.
- عظیمی، ناصر (۱۴۰۲)، *چهار مقاله در تاریخ گیلان*، رشت: انتشارات سپیدرود.

----- (۱۳۹۶)، تاریخ گیلان (از ورود شاه عباس به گیلان تا پایان انقلاب جنگل)، رشت: فرهنگ ایلیا.

فخرایی، ابراهیم (۱۳۷۱)، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. فلاح توتکار، حجت (۱۳۸۵)، «مسئله دهقانی در مجلس اول (۱۳۲۴-۱۳۲۶ق»، فصلنامه تاریخ پژوهان، شماره ۷، صص ۱۳۰-۱۴۴.

کسروی، احمد (۱۳۸۳)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر. کهنسال، حسن، میرزایی راجعونی، طاهره (۱۳۹۴)، نقش سردار محیی در تحولات گیلان عصر مشروطه و جنبش جنگل، رشت: بلور.

لحمیان، رضا (اردیبهشت ۱۳۸۶)، «نقد و بررسی دیدگاه رادیکالیسم بر مکاتب فلسفی، اجتماعی و جغرافیا»، بیک نور، سال پنجم، شماره دوم، صص ۴۶-۵۹.

مارتین، ونسا (۱۳۹۲)، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، ویراسته هوشنگ شهابی و ونسا مارتین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

مارتین، ونسا (۱۳۹۲)، انقلاب مشروطه ایران، (ویراسته هوشنگ شهابی و ونسا مارتین)، زیر نظر اسماعیل سنگاری، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

ملکزاده، مهدی (۱۳۷۰)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۳، تهران: انتشارات علمی. نائینی، محمد حسین (بی تا)، تنبیه الامه و تنزیه المله، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

نعیمی اکبر، انوشیروان (۱۳۹۳)، نگاهی تازه به مشروطه گیلان، به تصحیح فریدون نوزاد، رشت: بلور. وفادار، علی (تابستان ۱۳۸۳)، «بررسی و تحلیل واژه مشروطه و مناسبات آن»، نامه انجمن، شماره ۱۴، صص ۱۰۶-۱۱۴.

یزدانی، سهراب (۱۳۸۹)، مجاهدان مشروطه، تهران: نشر نی.

----- (۱۳۹۱)، اجتماعيون عاميون، تهران: نشر نی.

----- (۱۴۰۰)، کودتاهای ایران، تهران: نشر ماهی.

----- (۱۴۰۲)، روستائیان و مشروطیت ایران، تهران: نشر.

یوسفدهی، هومن (۱۳۸۷)، انجمن های گیلان در عصر مشروطه، رشت: فرهنگ ایلیا.

روزنامه‌ها

نسیم شمال، ۱۳۳۰، شماره ۱۸.

خیرالکلام، ۱۳۲۹، شماره ۹۱

Transliteration

- Adamiyat, Fereydoun, (1969), Amirkabir and Iran, Tehran: k̄ārazmī.
- Adamiyat, Fereydoun, (1975), The Thought of Social Democracy in the Iranian Constitutional Movement, Tehran: Payām.
- Afary, Janet, (2000), The Iranian constitutional revolution, 1906-1911 : grassroots democracy, social democracy & the origins of feminism, translated by Reza Rezaei, Tehran: Bīstūn.
- Afshar, Iraj, (1980), New Papers of Constitutionalism and the Role of Taghizadeh, Tehran: jāvīdān.
- Ajoudani, Mashallah, (2006), Iranian Constitutional Revolution, Tehran, Ak̄tarān.
- Arianpour, Yahya, (1993), From Saba to Nima, 3 vol., Tehran: Zavvār Publications.
- Ashouri, Dariush, (2023), Political Encyclopedia, Tehran: Morvārīd Publications.
- Avansian, Ardeshir (1999), Memoirs of Ardeshir Avansian from the Members of the Group of 53, by Ali Dehbashi, Tehran, Shahab Saqeb Publications in cooperation with Soḡan Publishing.
- Avery, Peter, (1984), Modern Iran, translated by Mohammad Rafī'abadi, Tehran: 'Aṭā'ī.
- Azimi, Naser, (2017), History of Gilan (from the arrival of Shah Abbas to Gilan to the end of the forest revolution), Rasht, Farhang-e Īliyā.
- Azimi, Naser, (2023), Four articles in the history of Gilan, Rasht, Sepīdrūdpublications.
- Bastani-Parizi, Mohammad Ebrahim, (1982), The Struggle for Freedom, Tehran: Novīn.
- Browne, Edward Granville, (2001), The Persian revolution of 1905-1909,1966, translated by Mehri Qazvini, edited by Siros Sa'dvandian, Tehran, Kavīr Publications.
- Cronin, Stephanie (2013), Constitutional Revolution of Iran (An experiment in revolutionary nationalism), edited by Houshang Shahabi and Vanessa Martin), Tehran, Bongāh-e Tarjomeh va Našr-e Ketāb-e Pārsa.
- Daftar Ravaei, Naser, (1984), Memoirs and documents of Naser Daftar Ravaei, Constitutional Revolution of the Jungle Movement, Period of Khalkhal Insecurity, with the efforts of Iraj Afshar and Behzad Razzaghi, Tehran: Ferdowsī, Adīb.
- Dolatabadi, Yahya, (1983), Ḥayāt-e Yahyā, 4 vols., Tehran: 'Aṭṭār, Ferdowsī.
- Ettehadiyeh (Nezam-Mafi), Mansooreh and Sa'dvandian, Siros, (1984), Selections from the Collection of Documents of Abdolhossein Mirza Farmanfarma 1340-1325 AH, Tehran: Publishing History of Iran.
- Ettehadiyeh, Mansooreh, (1980), The Origin and Development of Constitutionalist Political Parties, First and Second Periods of the National Assembly, Tehran: Gostareh.
- Fakhraei, Ebrahim, (1992), Gilan in the constitutional movement, Tehran, Scientific and cultural publications.
- Fallah Tutkar, Hojjat, The peasant issue in the first parliament (1324-1326 AH), Tarikh Pajoohan quarterly, 2006, issue 7.
- Haeri, Abdolhadi, (1985), Shiism and constitutionalism in Iran and the role of Iranians living in Iraq, Tehran: Amīr Kabīr.
- Ivanov, Mikhail Sergeevich (1988),, The Constitutional Revolution of Iran, translated by Azar Tabrizi, Tehran: šabgīr va Armaghān.
- Kasrovi, Ahmad (2004), Constitutional History of Iran, Tehran, Amīr Kabīr.
- Kohansal, Hassan and Mīrzaei Rajeoni, Tahereh (2015), The role of Sardar Mohi in the developments of Gilan in the constitutional era and the forest movement, Rasht, Bolūr.
- Lahmian, Reza (2007), Criticism and study of radicalism on schools of philosophy, sociology and geography, Pik-e Noor, year 5, issue 2.
- Martin, Vanessa (2013),, Iran's Constitutional Revolution, edited by Houshang Shahabi and Vanessa Martin), Tehran, Bongāh-e Tarjomeh va Našr-e Ketāb-e Pārsa.
- Naeimi Akbar, Anoushirvan, (2014), A New Look at the Constitutionalism of

- Gilan, edited by Fereydoun Nozwad, Rasht, Bolūr.
- Nā'īnī, Moḥammad Ḥosseīn. (n.d.). *Tanbīh al-omma wa tanzīh al-mella*. Qom: Mo'assese-ye Būstān-e Ketāb.
- Palwich, M., Tria and S. Iranski, (1978), *Three Articles on the Constitutional Revolution of Iran*, translated by M. Hoshyar, Tehran: Pocket.
- Panahi, Abbas, (2019a), *Documents and Petitions of the Second to Fifth Periods of the People of Gilan to the National Assembly*, Tehran: Islamic Parliament Publications.
- Panahi, Abbas, (2019b), *Documents and Petitions of the Sixth to Thirteenth Periods (Reza Shah Era) of the People of Gilan to the National Assembly*, Tehran: Hozeḥ Honari in Cooperation with Farhang Ilia Publications.
- Panahi, Abbas, (2021), *Bibliography of the Analysis of the Constitutional Intifada of Gilan Rasht*, Farhang Ilia Publications.
- Panahi, Abbas (2014), *The Impact of Caucasians and Social Democrats on the Constitution of Gilan and Azerbaijan*, Collection of Articles of the Tabriz Mujahideen Conference (Commemorating the 100th Anniversary of the Death of Sattar Khan, Sardar Melli), by Dr. Abbas Gadimi Qeidari, Tabriz: Sotoudeh Publications, March.
- Pourmohammadi Amlashi, Nasrollah (2012), "The political and social viewpoints of Khair-ol Klam , The first newspaper of Gilan", *Scientific and Research Quarterly Journal of the History of Islam and Iran*, No. 16 (105).
- Rabino, H.L., (1981), *Iranian Newspapers*, translated by Jafar Khamamizadeh, Tehran, Ettelā'āt Publications.
- Rabino, H.L., (1989), *Constitutionalism of Gilan, with the efforts of Mohammad Roshan, Rasht, Tā'atī*.
- Ramazan, Peyman (2014), *Afsah ul-Motakalemin, the first journalist of Gilan, collection of articles of the first national constitutional conference of Gilan, Rasht, Farhang Ilya, vol. 1*.
- Sardār As'ad, 'Alīqolī, Sepehr, 'Abd-al-Ḥosseīn. (2014). *Tārīḳ-e Baḳtīārī*. Tehran: Inteshārāt-e Asāfīr.
- Seddiqi Pashaki, Reza, (2013), *The Ups and Downs of Gilan in the Three Constitutional Years (1327-133-AH)*, Rasht, Farhang-e Īliyā.
- Sharīf Kāshānī, Moḥammad Mehdī. (1983). *Wāq'e'āt-e ettefāqīya dar rūzgār*, ed. Mansoureh Ettehādīyeh and Sirous Saadvandian, Tehran, History of Iran, Volume 1.
- Tabatabai, Javad, (1988), *Theory of Law in Iran*, Tehran, Sotoudeh Publishing House.
- Tadayon, Ataullah, (1974), *History of Gilan and the Role of Gilan in the Constitutional Movement of Iran*, Tehran: Forūghī.
- Taghizadeh, Hassan, (1959), *A Discourse Including Part of the History of the Early Constitutional Movement of Iran*, Tehran: Mehrān Club.
- Vafadar, Ali (2004), *Study and analysis of the word constitutional and its relations*, Association letter, issue 14.
- Yazdani, Sohrab (2012), *Ejtemā'iyūn-e 'Āmmīyūn*, Tehran, Ney.
- Yazdani, Sohrab, (2010), *Mojāhedān-e Mašrūteh*, Tehran, Ney Publishing House.
- Yazdani, Sohrab, (2021), *Coups of Iran*, Tehran, Mahi Publishing House.
- Yazdani, Sohrab, (2023) *Villagers and the Constitutionalism of Iran*, Tehran, Publishing House.
- Yousafdehi, Hooman, (2008), *Gilan Associations in the Constitutional Era*, Rasht, Farhang-e Īliyā.
- Zargarinejad, Gholamhossein, (2024), *Rasā'el-e Mašrūṭīyat (18 Treatises and Bills on the Constitutional Constitution)*, Tehran, Negārestān-e Andīseh.

Newspapers

- Nasīm-e Shomāl, no. 18, 1951.
- ḳayr ul-ḳalām, no. 91, 1950.

Radicalism and the Gilani Constitutional Movement: Examining the Role of Gilanis in Iran's Revolutionary Developments

Extended Abstract

Introduction: The present article examines the role of the Gilani constitutional movement in shaping intellectual and political radicalism during Iran's Constitutional Era. The Constitutional Revolution marked the dawn of a new age for Iran. While European constitutionalism was founded on secularism and humanism, its Iranian constitutionalism sought to reconcile tradition and modernity. The Iranian Constitutional Revolution emerged as a justice-seeking, anti-despotic movement with the goal of establishing the rule of law and limiting the Shah's power. This movement influenced not only Iran but also its surrounding regions. The Gilani constitutional movement was politically rooted in radicalism—though the radicalism of the Constitutional Era differed significantly from the communism-induced radical movements of the Pahlavi period. Ideologically, radicalism refers to a set of political, social, or religious beliefs and actions that demand fundamental, rapid, and often revolutionary changes to existing structures. Radicals typically seek profound transformations in political, economic, or social systems and may employ unconventional methods to achieve their goals. Politically, they are rarely satisfied with gradual reforms and instead push for swift and deep-seated change. In terms of fighting tactics, they utilize methods such as street protests, civil disobedience, or even violence to advance their objectives. Radicals are often fierce critics of ruling systems and power structures. Although the revolutionary movement of Gilani constitutionalism stemmed from the broader constitutional struggle, it embodied many fundamental radical characteristics. From their uprising against Gilan's governor in February 1909 to the conquest of Tehran in July 1909, the Mujahideen (revolutionary fighters) of Gilan based their struggle on radical ideologies. Geographically, this study primarily focuses on developments in the city of Rasht, while its temporal scope spans from the Minor Despotism to the conquest of Tehran. However, since events in Rasht were closely linked to other cities in Gilan, the entire province inevitably falls within the study's purview. The historical period under examination covers political and social developments in Gilan from February 1909 to the conquest of Tehran on July 22, 1909. This study addresses the following questions: What historical role did Gilanis play in the constitutional movement, and what were the defining characteristics of Gilani constitutionalism? The article investigates the influence of Gilani figures, associations, and the press on the social radicalism of the Constitutional Era. Additionally, it explores the impact of Gilan's geography, economy, and international connections as key factors in this study. Inspired by Caucasian and European social democratic thought—particularly during the Minor Despotism—

Gilani gravitated toward radicalism and ultimately played a pivotal role in establishing the second parliament and consolidating Iran's parliamentary system. Through an analysis of historical documents and sources, this article demonstrates that Gilani Constitutionalism was not merely a local movement but a transformative force in Iran's modern intellectual and political evolution.

Method: This study employs a historical-analytical method, utilizing library resources and archival documents.

Findings: The findings reveal that Gilan, as one of the pivotal centers of the Constitutional Movement, played a significant role in shaping and advancing the movement. This role can be analyzed from both geographical and intellectual perspectives. Due to its proximity to the Caucasus and Russia, Gilan served as a gateway for revolutionary and modern ideas entering Iran. Its strategic position made it a hub for the exchange of social democratic and revolutionary ideologies from the Caucasus and Europe. These connections exposed Gilanis—particularly in Rasht—to new concepts such as democracy, freedom, and equality, which they actively incorporated into the Constitutional Movement. Gilan is recognized as one of the primary centers of radicalism within the Constitutional Movement. This radicalism was shaped by historical peasant uprisings and social protests in the region. During the Constitutional Era, Gilanis adopted a revolutionary and radical approach in their struggle against Qajar despotism, playing a crucial role in the conquest of Tehran and the restoration of constitutional rule. The radicalism of Gilani constitutionalism was influential not only in military struggles but also in intellectual and cultural spheres so that the Gilani press and associations functioned as platforms for revolutionary radicalism. Unique characteristics of the Gilani Constitutional Movement included its international outlook, the active participation of various social groups and guilds, and its emphasis on principles such as freedom, equality, and the rule of law. These traits elevated Gilan from a local movement to a vanguard force in Iran's Constitutional Revolution. Finally, Gilani constitutionalism not only contributed to the overthrow of Qajar despotism but also left a profound impact on Iran's modern intellectual and political developments. This movement demonstrated how a region, through a combination of revolutionary radicalism and modern thought, contribute to fundamental changes in a nation's political and social structures.

Keywords: Gilan, Constitutionalism, Freedom, Social Democracy, Radicalism.